

جهاد و دفاع از دیدگاه میرزای قمی با مقایسه آرای فقهی امام خمینی

□ سیدحسین قریشی کرین

چکیده

جهاد یکی از بزرگترین فرایض دینی است که هنگام تجاوز بیگانه برنده‌ترین سلاح علیه متجاوز به حساب می‌آید. با تأسیس سلسله قاجار، روسیه بر اساس سیاست توسعه‌طلبی خود، تکیه بر وصیت‌نامه جعلی منسوب به پطر کبیر جهت دست‌یابی به آبهای گرم و آزاد دریای عمان و خلیج فارس، حملات گسترده‌ای را به ایران آغاز کرد و بخشی از زرخیزترین اراضی را از ایران جدا کرد. علمای عصر از جمله میرزای قمی بنا به وظیفه دینی خود و درخواست حاکمیت وقت علیه روسها اعلان جهاد داده و دفاع را بر همه واجب دانستند و کشته‌شدگان جنگ را شهید به حساب آوردند. در این مقاله ضمن بررسی چگونگی جنگ ایران و روسیه و شرایط سیاسی - اجتماعی عصر میرزای قمی و نقش او در بسیج مردم، به فتاوای جهادی او را در رابطه با ضرورت دفاع، کشته‌شدگان جنگ، غنایم، فرار در میدان نبرد، همکاری با دشمن و بغاوت پرداخته شده و با فتاوی جهادی امام خمینی مورد مقایسه قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: قاجار، جهاد، جنگ ایران و روس، میرزای قمی، امام خمینی



اشاره:

واژه جهاد از ریشه «جهد» به معنای سعی و تلاش همراه با تحمل مشقت و سختی برای نیل به هدف معین است (راغب: حرف ج) چون مجاهد برای رسیدن به هدف آن چه را که در توان دارد مبذول می‌دارد و در اصطلاح فقها عبارت از نهایت تلاش با بذل مال و جان در راه مبارزه با دشمن حق و متجاوزین در راه اعتلای کلمة الله بر وجه مخصوص (للمعه الدمشقیه، ج ۲: ۳۷۹) و از بین بردن آئین شرک و بت پرستی.

جهاد از دیدگاه الهی دارای اهمیت و جایگاه والایی است و در قرآن کریم آیات فراوانی در اهمیت جهاد وجود دارد (بقره: ۲۵۱ توبه: ۴۱، ۳۹، ۳۸، ۲۴) و در این آیات علایق و وابستگی‌های انسان در مقابل علاقه به خدا و پیامبر و نبرد در راه او قرار داده است و لذا کسانی که از محبت خدا و رسولش و جهاد در راه او دست بردارد در گروه فاسقان خواهد بود. از دیدگاه معصومین جهاد دری از درهای بهشت است (نهج البلاغه، خ ۲۷) و کمترین مزد مبارزان در راه خدا بهشت می‌باشد و خداوند جهاد را مایه عزت اسلام قرار داده است. (خطبه حضرت زهرا^(س)) جهاد فواید فراوانی برای انسان و جامعه دارد، از آن جمله رخوت و خمودی را به تحرک و شجاعت تبدیل کرده و جوهره انسان را تقویت می‌نماید و روح انسان را در برابر مشکلات آبدیده می‌نماید و زمینه ظهور و بروز عنصر مقاومت و رشادت را فراهم آورده و سد مسیر تکامل جامعه را با دفع دشمن از بین می‌برد.

دفاع نیز لازمه طبیعی حیات هر موجودی است، به طوری که جهاد و دفاع مستمر در زندگی گیاهان حیوانات و انسانها به انحاء و درجات مختلف وجود دارد ولی ارزش و اهمیت آن در زندگی انسان علاوه بر غریزی بودن در ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حیات وی جاری است.

اقسام جهاد

فقها با استناد به آیات قرآن و احادیث، جهاد را دو قسم می‌دانند: ابتدایی و دفاعی. مقصودشان از «جهاد ابتدایی» آن است که مسلمانان به منظور دعوت کفار و مشرکان به اسلام و دعوت بغات به فرمانبرداری از حاکم اسلامی جهاد کنند. البته وجوب چنین جهادی مشروط به

شرایطی همچون بلوغ، توانایی جسمی و مالی، مرد بودن، اذن امام عادل و... است.

کفار و مشرکان نیز به دو گروه تقسیم می‌شوند که جهاد با هر کدام احکام خاصی دارد:

۱. اهل کتاب مثل یهود و نصاری و آنان که ملحق به اهل کتاب‌اند مانند زرتشتی‌ها. مسلمانان موظف به جهاد با آنها هستند تا به اسلام دعوت کنند، اگر اسلام را نپذیرفتند موظف به پرداخت جزیه‌اند و اگر پرداخت جزیه را هم قبول نکردند، جهاد با آنان ادامه می‌یابد تا به قتل برسند یا به اسارت درآیند.

۲. کفار و مشرکان دیگر مانند بت پرستان و ستاره پرستان و... که جهاد با آنان بر مسلمانان واجب است تا اسلام آورند یا کشته شوند.

و مقصودشان از «جهاد دفاعی» آن است که مسلمانان پس از هجوم دشمن، به دفاع از اسلام و مسلمین یا سرزمین‌های اسلامی برخیزند و اگر کشور اسلامی مورد تهاجم قرار می‌گیرد مسلمانان باید در برابر دشمن از اسلام و از خودشان دفاع کنند. چنین جهادی مشروط به شرایط جهاد نوع اول نیست. نه مرد بودن شرط است و نه به اذن امام عادل نیاز دارد و نه شرایط دیگر. بین جهاد و دفاع تفاوت‌هایی وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- جهاد به منظور دعوت به اسلام و توسعه قلمرو دین می‌باشد ولی دفاع برای حفظ کیان اسلام و حفظ مال، جان و عرض در صورت حمله یک کشور صورت می‌گیرد.

- جهاد با حضور امام یا نایب خاص او با اذن اوست ولی در دفاع حضور و اذن امام و حتی مجتهد لازم نیست.

- جهاد بر افراد بالغ، عاقل، سالم، مرد واجب است ولی دفاع بر همه چه زن چه مرد واجب است.

مقدمه

یکی از مهمترین حوادث دوره قاجار که تأثیر عمیقی در روحیه مردم و دولتمردان قاجار گذاشت جنگ‌های ایران و روس می‌باشد که در پی این حادثه سرزمین‌های زرخیزی از ایران جدا



□ جهاد با حضور امام یا نایب خاص او و با اذن اوست ولی در دفاع حضور و اذن امام و حتی مجتهد لازم نیست

□ جهاد بر مردان بالغ، عاقل و سالم واجب است ولی دفاع بر همه چه مرد و چه زن واجب است

شد و شرایطی ظالمانه بر ایران تحمیل گردید و زمینه را برای سیطره بیگانگان بر ایران هموار ساخت. جنگ‌های ایران و روس که در دو دوره به مدت ۱۳ سال طول کشید، در شرایطی آغاز شد که سه دولت استعماری فرانسه، انگلیس و روسیه - در حال رقابت با هم بودند و برای ضربه زدن به همدیگر گاهی دو رقیب با هم متحد می‌شدند و با رقیب دیگر به ستیز می‌پرداختند و ایران در این میان به علت نداشتن سیاست ثابت و مقتدر، بازیچه این سه استعمارگر قرار گرفت و صدمات جبران‌ناپذیری را متحمل شد.

فتحعلی شاه و ولیعهدش عباس میرزا وقتی وعده‌های پوچ فرانسه و انگلیس را دیدند برای مقابله با روسها به فکر اعلان جهاد علماء افتادند و علمای عصر از جمله میرزای قمی فتوای جهاد علیه روسها را صادر کردند. ولی در دوره اول عملاً این فتاوا نتوانست در بسیج مردم نقش اساسی داشته باشد. ولی در دوره دوم جنگهای ایران روس علماً علاوه بر دادن فتوای جهاد، عملاً در جبهه‌ها حضور یافته، پیروزی‌های چشم‌گیری را کسب نمودند ولی اختلافات سیاسی و خانوادگی، عدم حمایت مالی از سپاه، خیانت برخی از سران کشوری و لشکری و عدم انسجام نیروهای جهادی زحمات آنها را بی‌نتیجه گذاشت.

برای بررسی آثار و اندیشه‌های علمای جهادی از جمله میرزای قمی باید پیش از هر چیز به شرایط اجتماعی، سیاسی، زمانی و مکانی آنها وقوف پیدا کرد و ابعاد فتاوی جهادی او را مورد بررسی قرار داد و به این سؤال که علما در برابر حملات روس چه عکس‌العملی داشتند و مهمترین فتاوی آنها در این نبرد چه بود پاسخ داده شود. به این منظور باید به بحث و بررسی چند مقوله پرداخت:

- ۱- جهاد و انواع آن در فقه شیعه با توجه به نظرات فقهی میرزای قمی
 - ۲- ضرورت دفاع از کشور و سرنوشت کشته‌شدگان نبرد با دشمن
 - ۳- احکام مربوط به اسرا، غنائم، فراریان جنگ، توطئه‌گران داخلی و تأمین هزینه جنگ
 - ۴- نظرات امام خمینی با توجه به حمله عراق به ایران و دفاع هشت ساله ایران در مقایسه با نظرات میرزای قمی
- در مقاله حاضر با استفاده از روش پژوهش تاریخی با محور قرار دادن منابع دست اول به ویژه تألیفات میرزای قمی به بررسی دیدگاه جهادی او پرداخته و به سؤالات و مسائل مورد بحث پاسخ داده می‌شود.

میرزای قمی و شرایط عصر او الف) زندگی و حیات علمی

میرزا ابوالقاسم بن حسن (محمدحسن) معروف به میرزای قمی در سال ۱۱۵۱ ه.ق در جاپلق^۱ لرستان به دنیا آمد. اصالتاً اهل شفت^۲ گیلان ولی بزرگ شده جاپلق است و به خاطر سکونتش در قم در میان توده مردم به میرزای قمی معروف شده است.

پدر میرزا، آخوند ملاحسن از اهالی شفت گیلان بود که به اصفهان سفر کرد و از ناحیه شاه سلطان حسین برای اجرای امر قضاوت و ترویج امور شرعی به جاپلق اعزام شد (فیض، ۱۳۴۹: ۳۱۳/۱) و با دختر استادش میرزا هدایت‌الله که در علم و فضیلت شهره بود ازدواج کرد که میرزا اولین حاصل این ازدواج می‌باشد. (الامین: ۱۱/۲، مدرس: ۶/۶)

تولد میرزا در سال ۱۱۵۱ مصادف با پادشاهی نادر و فتح هند است. دوران حیات او مصادف است با حکومت نادر شاه (۱۱۴۸ - ۱۱۶۰ هـ) عادل شاه (۱۱۶۰ - ۱۱۶۱ هـ) ابراهیم (۱۱۶۱ هـ) شاهرخ (۱۱۶۱ - ۱۲۱۰ هـ) از سلسله افشاریه و کریم خان زند (۱۱۷۳ - ۱۱۹۳ هـ) ابوالفتح خان (۱۱۹۳ هـ) علی مرادخان (۱۱۹۳ هـ) محمدعلی خان (۱۱۹۳ هـ) صادق خان (۱۱۹۳ - ۱۱۹۶ هـ) علی مرادخان (۱۱۹۶ - ۱۱۹۹ هـ) جعفر خان (۱۱۹۹ - ۱۲۰۲ هـ) صید مرادخان (۱۲۰۲ - ۱۲۰۳ هـ) لطفعلی خان (۱۲۰۳ - ۱۲۰۹ هـ) از سلسله زندیه و آقا محمدخان (۱۲۱۰ - ۱۲۱۱ هـ) و فتحعلی شاه (۱۲۱۲ - ۱۲۵۰ هـ) از سلسله قاجار و از دور و نزدیک حوادث و بحران‌های اجتماعی - سیاسی این دوره را درک نموده است.

میرزای قمی زندگی علمی خویش را ابتدا نزد پدرش آغاز کرد و سپس برای ادامه تحصیل به خوانسار مسافرت کرد و از محضر استادانی چون سیدحسین خوانساری (متوفی ۱۱۹۱ هـ.ق)، فقه و اصول را فرا گرفت و در سال ۱۱۷۴ هـ.ق به عتبات رهسپار گردید و از دانش پرفیض آیت‌الله محمدباقر وحید بهبهانی (متوفی ۱۲۰۸ هـ.ق) بهره برد و پس از اقامتی طولانی به زادگاهش جاپلق بازگشت و به ترویج مسائل دین مشغول گردید، سپس به علت مشکلات به وجود آمده به اصفهان رفت و به تدریس فقه و اصول مشغول شد و از آنجا نیز مجبور شد به شیراز هجرت کند. دو سال و اندی از اقامت او در شیراز با حکومت کریم خان زند همزمان گردید که او توانست در این مدت از کمکهای مالی کریم خان زند بهره‌مند گردد (فیض: ۳۱۳). سپس به کمک یکی از علمای شیراز به اصفهان بازگشت و از آنجا به نزدیک زادگاه خود روستای «بابو» آمد و پس از مدتی بنا به درخواست مردم قم، حسادت ملاهای محلی و نبود طالب علم و محصل، به قم هجرت نمود و تا آخر عمر در این شهر ماند. (الامین: ۴۱۲/۲) و به دلیل همین اقامت طولانی در شهر قم به «میرزای قمی» یا «محقق قمی» و «فاضل قمی» معروف گردید.

ورود میرزا به قم

سال و چگونگی ورود میرزا به قم در منابع و یا در نوشته‌های خصوصی خود او نیز ذکر

نشده است. اگر مدت اقامت او را در قم ۴۰ سال بدانیم (مدرس: ۷۱/۶) که در سال ۱۲۳۱ هـ / ۱۸۱۶ م نیز رحلت کرد باید میرزا در سال ۱۱۹۲ - ۱۱۹۱ هـ در اوج درگیریهای آقا محمدخان با لطفعلی خان زند به قم آمده باشد. میرزای قمی در قم علاوه بر ریاست و مرجعیت شیعه، به تصنیف، تدریس، تبلیغ و ترویج دین پرداخت و مسجد جامع شهر را برای اقامه نماز جمعه و جماعت برگزید. او حوزه علمیه قم را رونق بخشید و عاقبت در سال ۱۲۳۱ هـ رحلت کرد و در شیخان قم مدفون گردید.

میرزای قمی در اکثر علوم اسلامی چون فقه، اصول، کلام، علم معنی و بیان استاد بود و تألیفات و تصنیفات ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشت که اکثر این آثار را در دوران سکونتش در قم تألیف نموده است که مشهورترین آن قوانین الاصول می باشد که به خاطر شهرت این اثر او به صاحب القوانین مشهور است.^۳ اما آغاز فعالیت علمی و تألیفی وی به دوران جوانی و همان ایامی که در خوانسار مشغول تحصیل بود مربوط می شود که منظومه‌ای در علم بیان در سال ۱۱۷۳ هـ.ق در ۲۲ سالگی تصنیف کرد.

جنگ ایران و روس و فتاوی جهاد علما

یکی از مهمترین حوادث دوره قاجار که تأثیر عمیقی در روحیه مردم و دولت مردان قاجار گذاشت جنگ‌های ایران و روس است که در پی این حادثه سرزمین‌های زرخیزی از ایران جدا شد و شرایطی ظالمانه بر ایران تحمیل شد که موجب سيطرة بیگانگان بر ایران هموار گردد.

با قدرت‌یابی آقا محمدخان در ایران، هراکلیوس (آراکلی) با بروز ناامنی در ایران که پس از مرگ نادر و کریم‌خان، روی داده بود برای اینکه از حمایت یک دولت مقتدر بهره‌مند شود خود را تحت حمایت دولت روسیه درآورد و با انعقاد قراردادی با کاترین دوم در سال ۱۷۸۳ م ۱۱۹۷ هـ عملاً از تابعیت ایران بیرون آمد و پس از گودوویچ دو گردان روسی در گرجستان مستقر کرد و هراکلیوس در معیت سربازان روسی تا حوالی گنجه را تصرف کرد.

آقا محمدخان با شنیدن تابعیت هراکلیوس به او پیشنهاد کرد که ایروان، قراباغ، شکی و

□ در دوره دوم جنگهای ایران و روس، علما علاوه بر دادن فتوای جهاد، عملاً در جبهه‌ها حضور یافتند و پیروزیهای چشمگیری را بدست آوردند ولی اختلافات سیاسی، عدم حمایت مالی از سپاهیان، خیانت بعضی از سران کشوری و لشکری و عدم انسجام نیروهای جهادی، زحمات آنان را بی نتیجه گذاشت

آذربایجان را ضمیمه حکومت خود کند و در عوض تابعیت روس را ترک و خراجگزار ایران شود ولی پیشنهاد او رد شد، (ملکم: ۱۵۲/۲) آقا محمدخان با مشاهده چنین وضع متوجه قفقاز شد و چندین بار پیشنهاد خود را مطرح کرد ولی هراکلیوس تابعیت روس را ترجیح داد. شاه قاجار ایروان و شوشی را مجبور به تسلیم کرد. هراکلیوس به تفلیس عقب‌نشینی کرد و آقا محمدخان به سوی تفلیس پیش راند و شهر را بدون مقاومت تصرف کرد و مدت ۹ روز در آنجا دست به قتل و کشتار زد و این امر تأثیر بسیار منفی در روحیه مردم گذاشت.

روس‌ها هنگام لشکرکشی آقا محمدخان سپاه خود را عقب کشاندند و فقط به ابراز تأسف اکتفا کردند و با آمدن آقا محمدخان به تهران جهت تاجگذاری، کاترین دوم به ایران لشکر کشید و تا مغان پیش رفت. شاه قاجار با شنیدن این خبر آماده لشکرکشی شد که در همین زمان کاترین مرد و پسرش پل دستور عقب‌نشینی سپاه را داد و حتی گرجستان را تخلیه نمود. (مدایت: ۳۸۸/۹) با این وجود خان قاجار به طرف قفقاز حرکت نمود و پس از تصرف شوشی در همان‌جا توسط سه تن از مستخدمینش به قتل رسید (مفتون دنبلی: ۲۵) و اردوی شاهی پراکنده گشت.

در آغاز پادشاهی فتحعلی شاه، پل اول برخلاف مادرش با ایران، سیاست صلح و دوستی در پیش گرفت، در همین زمان هراکلیوس در گذشت (۱۲۱۳ هـ - ۱۷۹۸ م) و پسرش موسوم به گیورگی یا ژرژ دوازدهم یا گرگین خان جانشین او شد. او سعی در رفع اختلاف با ایران را داشت

و به همین منظور به فتحعلی شاه نامه‌ای نوشت و خود را از چاکران دولت علیه ایران شمرد (هدایت: ۳۲۸/۹) ولی فتحعلی شاه به او دستور داد که پسر ارشد خود را به عنوان گروگان به تهران بفرستد. گرگین زیر بار نرفت و به روسیه متمایل شد و دولت روسیه هم قول همکاری داد. چون گرگین خان فردی ولخرج بود از دولت روسیه وام گزافی گرفت که در صورت عدم پرداخت به موقع، تفلیس به روسیه واگذار شود (نویسی: ۳۱/۲) و نیز در همین زمان روسیه ده هزار سرباز در گرجستان مستقر کرد که این امر با مخالفت دیگر فرزندان هراکلیوس مواجه شد و الکساندر از فرزندان هراکلیوس به ایران متواری شد و از شاه ایران درخواست کمک کرد. فتحعلی شاه به علت گرفتاری‌های داخلی به او توجهی نکرد و الکساندر به شمال ارس رفت و با جمع کردن طرفدارانی از بین عشایر با روس‌ها به نبرد پرداخت ولی توسط ژنرال‌های روسی سرکوب شد و به ایران متواری گردید. (همان: ۳۲) پس از مدتی فرمانده روسی خواهان استرداد او و دیگر اسرای شد که آقا محمدخان آورده بود ولی این درخواست با بی‌اعتنایی فتحعلی شاه روبرو شد در این زمان پل اول به شاه ایران پیشنهاد کرد از هرگونه ادعایی نسبت به گرجستان چشم‌پوشد که این پیشنهاد رد شد. با درگذشت ژرژ دوازدهم (۱۸۰۰ م / ۱۲۱۵ هـ ق) پسرش داود (داوید) به جای او مدعی سلطنت شد و پس از ۲۱ روز پل اول با صدور فرمانی الحاق گرجستان را به روسیه اعلام نمود (بینا: ۹۰/۱) و بدین ترتیب جنگ‌های طولانی ایران و روس آغاز شد.

دوره اول جنگ‌های ایران و روس

با مرگ پل اول و قدرت‌یابی پسرش الکساندر، بر الحاق گرجستان مجدداً تأکید شد (نویسی: ۱/۲۴) و از طرف روسیه، تسی تسیانف Tsisitsianoff به حکومت گرجستان منصوب شد. او به بهانه این که گنجه در زمان هراکلیوس، مالیات خود را به گرجستان می‌پرداخت، گنجه را مورد تهاجم قرار داد (۱۸۰۳ م / ۱۲۱۸ هـ ق) (بینا: ۹۲/۱) و پس از درگیری با مردم و قتل حاکم آنجا بنام جوادخان قاجار و پسرش مردم مسلمان ار قتل عام کرد و حتی نام شهر را به الیزابت پل یا الیزابتا تغییر دادند.

با تصرف گنجه، میرزا شفیق مازندرانی نامه‌ای به فرمانده روس‌ها، مبنی بر تخلیه مناطق اشغالی نوشت که با بی توجهی فرمانده روس‌ها مواجه شد (سپهر: ۷/۱) و سپس فتحعلی شاه عباس میرزا را در رأس سپاهی به سوی آذربایجان فرستاد و خود نیز به این منطقه حرکت نمود و در سلطانیه فرود آمد. (مفتون دنبلی: ۹۶)

عباس میرزا در صفر ۱۲۱۹ هـ از تبریز به حوالی ایروان لشکر کشید و با سپاه روس درگیر شد و مدت سه روز در اچمیازین با روس‌ها نبردی دلاورانه نمود، ولی در قرخ بلاغ در حال استراحت بود که مورد حمله روس‌ها قرار گرفت و ایروان توسط روس‌ها محاصره شد که این محاصره یک سال طول کشید.

عباس میرزا پس از جمع‌آوری سپاه، روس‌ها را تا حدی عقب راند و پس از مدتی شهر گنجه را تصرف کرد. مقارن این لشکرکشی ۱۲ فروردین کشتی روسی به انزلی و رشت حمله کردند که با مقاومت مردم گیلان مواجه و پس از دادن هزار کشته به باکو عقب نشستند (همان: ۱۵۸ - ۱۶۰) و قلعه باکو را تصرف نمودند. از طرف دیگر سیسائف به منظور اجتناب از طولانی شدن محاصره باکو با حسین علی خان حاکم ایروانی باکو به مذاکره پرداخت ولی در جریان این مذاکره پسرعموی حسین علی خان ژنرال روسی را به قتل رساند و سر او را به تهران فرستاد. در همین زمان بود که میرزا محمد سبزواری از اخباریون معروف قاجار با ورد و دعا شاه را به طرف خود جلب کرد و قول قتل سیسائف را داده بود.

پس از قتل سیسائف فرماندهی سپاه به گودوویچ واگذار شد. او شهرهای باکو، دربند و شکی را تصرف کرد و در این زمان چون روس‌ها درگیر جبهه اروپا بودند گودوویچ نماینده‌ای به نام استپانف جهت ترک محاصره به تهران نزد فتحعلی شاه فرستاد و چون شاه قاجار پشت گرم به کمک فرانسه بود شرط مذاکره را تخلیه تمامی نواحی اشغالی عنوان کرد که مورد پذیرش روس‌ها قرار نگرفت ولی در این زمان بین روس و فرانسه قرار داد تیلسیت منعقد شد و روس‌ها نیروی بیشتری به جبهه قفقاز اعزام نمودند و در جبهه غرب (بوخارست) با عثمانی صلح کردند و با نیروی افزون تری دست به حمله عمومی زدند و در جبهه اصلاندوز عباس میرزا را سخت شکست

دادند و تا نزدیکی رود ارس پیش آمدند و در این زمان سرگور اوزلی ایران را مجبور به پیمان صلح با روسیه کرد و در قریه گلستان قراباغ بین دو کشور معاهده صلح در ۲۹ شوال ۱۲۲۸ هـ / ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ م برقرار شد.

تلفات ایران در این دوره نزدیک ۱۵۰ هزار کشته و با احتساب تعداد افرادی که از کار افتادند به ۲۰۰ هزار نفر رسید و کشته‌های دشمن نیز در همین حدود بود (قوزانلو: ۱۳)

نقش علما در دوره اول جنگ‌های ایران و روس

با شروع جنگ‌های ایران و روس فتحعلی شاه و عباس میرزا ولیعهد به دنبال کسب مشروعیت و بسیج توده مردم از علما کمک خواستند و به دنبال اخذ فتاوی‌ای جهاد از آنان بودند و حتی عباس میرزا بیش از شاه علاقمند به اخذ فتاوا از علما و تبدیل ماهیت جنگ با روس‌ها از نبردی نظامی به جنگی اعتقادی و میهنی بود و نیز می‌خواست علاوه بر کسب مشروعیت به تحکیم پایگاه دینی خود در نبرد با روس بپردازد و در برابر رقبا از جمله برادرانش از پایگاه قوی برخوردار شود.

علاوه بر آن علما در آغاز عهد قاجار به ویژه در نزد فتحعلی شاه جایگاه رفیعی داشتند. وقتی که فرانسویان طی قرارداد تیلسیت به ایران پشت کردند، ایران به انگلیس روی آورد. در این زمان عده‌ای معتقد بودند ایران برای جلوگیری تجاوزات روس نباید به انگلیس دل خوش کند بلکه در این باب از علما باید کمک گرفت و جنگ ملی را تبدیل به جنگ مذهبی نمود و از آنها تقاضا شود علیه روس‌ها اعلام جهاد کنند و مردم را علیه روس‌ها بشورانند (آبادیان: ۷۸) و این در حالی بود که سپاه ایران در موضع قدرت بود و شاه از تهران به چمن اوجان حرکت کرده و در بهار ۱۲۲۴ / ۱۸۰۹ م در آنجا مستقر گردیده بود.

میرزا بزرگ فراهانی (میرزا عیسی) پدر قائم‌مقام فراهانی برای بدست آوردن نظرات علما مبنی بر جهاد علیه روس‌ها با روحانیون بزرگ ارتباط برقرار نمود. او ابتدا حاج ملا باقر سلماسی و صدرالدین تبریزی را به عتبات فرستاد تا موضوع حملات روس‌ها به ایران را به اطلاع شیخ محمد





جعفر نجفی و سیدمحمد اصفهانی برسانند. وقتی علمای نجف از حمله روس‌ها مطلع شدند نمایندگانی به قم، کاشان، یزد، اصفهان، شیراز و دیگر شهرها فرستادند و حکم جهاد دادند. ملااحمد نراقی، میرمحمدحسین سلطان العلماء امام جمعه اصفهان، ملاعلی اکبر اصفهانی، آقا سیدعلی طباطبایی، میرزا ابوالقاسم قمی و... احکامی مشابه صادر کردند. میرزای بزرگ این احکام را جمع‌آوری کرد و تحت عنوان رساله جهادیه منتشر نمود. این رساله‌ها در سراسر کشور پخش شد و شور عجیبی به راه انداخت. (آبادیان: ۹۸ مفتون دنبلی: ۱۵۴ سپهر: ۱۸۱/۱) صدور فتوای علما شش سال پس از شروع جنگ دوره اول ایران و روس در حالی صورت گرفت که دولت‌های انگلیس و فرانسه در ایران به دنبال منافع خود بودند و کشور ما را نردبان رسیدن به منافع خود قرار داده بودند، ولی گرچه این رساله جهادیه مدت‌ها پیش از امضای قرارداد گلستان تنظیم و تدوین یافت ولی تأثیر چندانی در جنگ دوره اول ایران و روس نداشت.

علمایی که به صدور فتوا مبادرت کردند عبارتند از:

۱. شیخ جعفر نجفی مشهور به کاشف الغطاء، ۲. میرزا ابوالقاسم قمی مشهور به محقق قمی، ۳. آقا سیدعلی طباطبایی مشهور به صاحب ریاض، ۴. سیدمحمد بن سیدعلی طباطبایی مشهور به مجاهد، ۵. شیخ محمدحسن قزوینی، ۶. حاج میرمحمدحسین خاتون‌آبادی اصفهانی، ۷. ملاعلی

اکبر اصفهانی، ۸. آقا هاشم کعبی، ۹. ملا محمد رضا همدانی، ۱۰. آخوند ملا احمد نراقی

نگاهی به فتاوی جهاد علما

یکی از وظایف فقها در عصر غیبت به عهده گرفتن امر جهاد در بعد دفاعی آن است. وقتی دولتمردان قاجار در برخورد با روس‌ها خود را درمانده دیدند، ناگزیر شدند به علما متوسل شوند تا به کمک آنها مردم را به صحنه‌های نبرد بکشانند، علما نیز با عنایت به بنیان‌های فقه امامیه به درخواست آنها جواب مثبت دادند و فتاوی جهادیه را صادر کردند.

دو تن از علمای مشهور آغاز دوره قاجار، میرزای قمی و کاشف‌الغطاء هستند که در قلمرو آراء سیاسی شیعه در عصر غیبت و هم در باب حیطه روابط با حکام و هم در زمینه توسعه ادبیات جهادی، اجتهادات نسبتاً روشنی ارائه کرده‌اند. میرزای قمی که از مجتهدان عصر بود و در زمینه فقه، اصول، اخلاق و فلسفه آثار ارزشمندی به یادگار گذاشته در جنگ ایران و روس در مقابل کفر برای حفظ بیضه اسلام، از شاه حمایت نمود. او درباره جهاد دفاعی اذن امام را شرط نمی‌داند و مردم را به دفاع از کشور در برابر حملات بیگانه تشویق می‌نمود (قمی: ۸۹/۱) و اعتقاد داشت کشته‌های میدین جنگ با روس‌ها مجاهد فی سبیل الله به شمار می‌روند و شهید قلمداد می‌گردند (همان: ۸۷) فتحعلی شاه به علت نفوذ میرزای قمی از او می‌خواست به اعلان جهاد اقدام نماید که با پاسخ مثبت میرزا مواجه می‌شد.

شیخ جعفر کاشف‌الغطاء از فقهای نام‌آور این عصر به علت تسلط در فقه، اصول و حدیث به شیخ اکبر و شیخ‌المجتهدین معروف است (مدرسی، ۲۴/۵) در کشف‌الغطاء خود فتحعلی شاه را می‌ستاید و او را دارای شمشیری کشنده و نیزه‌ای فروزنده در دل کافران می‌داند (کاشف‌الغطاء: ۲-۳) ولی حکومت او را یک حکومت اصیل اسلامی نمی‌داند و در باب جهاد علیه روس‌ها مسئولیت جهاد را متوجه شاه می‌کند و به فتحعلی شاه اجازه می‌دهد اجازه رهبری جهاد با اهل کفر و طغیان را در دست بگیرد و سپس بر مسلمین واجب می‌داند که بر فرمان شاه در امر جهاد سر نهند و سرپیچی از او را سرپیچی از خدا و سزاوار خشم او می‌داند (همان: ۳۹۴) و برای اینکه شاه از این

حمایت و تأییدها سوءاستفاده نکند مسئله عدم مشروعیت بالذات حکومت فتحعلی شاه را به روشنی مورد تأکید قرار می‌دهد (همان) و وجوب اطاعت از سلطان را به حکم مقدمه واجب، نظیر تهیه سلاح و نیروی جنگی برای دفاع اسلام می‌داند و گرنه اطاعت سلطان بدون وجود آن اغرض واجب نیست. (همان)

ملاحمد نراقی از جمله رهبران مذهبی بود که علیه روس‌ها فتوای جهاد داد و حتی در جنگ‌های دوم با کفن شرکت کرد (حائری: ۳۳۳) در دادن مشروعیت به شاهان قاجار تلاش نمود (همان: ۳۳۵) و همراه تعدادی از علماء برای تشویق مردم به جنگ و جهاد، به مناطق مختلف آذربایجان رفته، برای مردم به ایراد خطابه و سخن پرداختند و پس از او، سیدجعفر کشفی راه او را ادامه داد و به نحوی حکومت پادشاهان را مشروعیت بخشید. (همان: ۳۴۹)

دوره دوم جنگ‌های ایران و روس

دوره دوم جنگ‌های ایران و روسیه به علت مشخص نبودن مرزها در عهدنامه گلستان که عمداً از طرف روس‌ها بدان اشاره نشده بود، توسعه‌طلبی‌های تزار روسیه نیکلای اول که به تزار آهنین مشهور بود، عقده حقارت شاه از شکست دوره اول و از دست رفتن منافع هیئت حاکمه، اعتراضات برخی از مجتهدان که تاب تحمل پیروزی و سیطره یک کشور کافر را بر ایرانیان نداشتند (پیتراوری، ۹۷/۱) و رفتار غیرانسانی روس‌ها در مناطق اشغالی که موجب متواری شدن عده‌ای از اهالی قفقاز و عشایر و مردم آذربایجان و حتی اهالی مسیحی قفقاز به ایران شده بود و از ایران می‌خواستند که قلمرو اشغالی را مسترد نمایند و در این راه کمک بی‌دریغ به ایران خواهند کرد، (نصر: ۲۰۰) سرانجام آغاز شد.

نقش علما در دوره دوم جنگ‌های ایران و روس

در فاصله دو جنگ ایران و روس یکی از روحانیون محلی به نام قاضی ملامحمد با شعار وحدت شیعه و سنی از درون مرزهای اشغالی علیه روس‌ها قیام کرد و مدت ۱۲ سال (از ۱۲۳۶ تا

۱۲۴۸) قیام او ادامه یافت و سرانجام در این راه کشته شد. (آبادیان: ۱۱۰) روس‌ها پس از تسلط بر نواحی متصرفه در عهدنامه گلستان به آزار و اذیت مردم نواحی پرداخته و محصولات کشاورزان را مصادره می‌کردند و مردم را در فقر و تنگدستی نگه می‌داشتند و به شعائر دین اهانت می‌ورزیدند.

مردم ایالات قره‌باغ، شروان و گنجه پیکی را به عتبات فرستادند و در نزد سید محمد اصفهانی معروف به مجاهد و دیگر علما از تعدیات روس‌ها در حق مسلمانان شکوه کردند. سیدمحمد مجاهد ابتدا دولت ایران را در جریان امر گذاشت. وقتی علمای نجف دولت ایران را موافق با بازپس‌گیری نواحی اشغالی دیدند تعدادی را برای جهاد با روسیه به سوی ایران فرستادند که با استقبال بی‌نظیر مردم مواجه شدند و در شوال ۱۲۴۱ هـ در تهران جمع شدند و در ذی‌القعدة در چمن سلطانیه اجتماع کردند (سپهر: ۳۵۷/۱) - در این زمان بود که پرنس منچیکف به تهران آمده بود - از افرادی که در چمن سلطانیه حضور داشتند سیدمحمد مجاهد، ملااحمد نراقی، ملاعبدالوهاب قزوینی، ملامحمد نراقی و دیگر علما بودند (همان: ۳۶۵) نراقی و همراهانش، کفن‌پوشان در سلطانیه حضور داشتند. (مهدوی، ۱: ۹۰ - ۹۱)

وقتی علما در اردوگاه سلطانیه گرد آمدند بار دیگر با صدور بیانیه‌ای اعلام کردند که جهاد با روس‌ها، بر شاه و همه مسلمانان واجب است (هدایت، ۹: ۶۴۲) پس از صدور بیانیه همه درباریان و مردم از آن استقبال کردند. البته افرادی از درباریان از جمله معتمدالدوله معروف به نشاط که منشی بود و میرزا ابوالحسن خان شیرازی وزیر امور خارجه مخالف جهاد بودند. (نراقی: ۱۷)

وقتی که ایران در جنگ شکست خورد عده‌ای تقصیر را به گردن علما از جمله سیدمحمد مجاهد افکندند و قصد کشتن او را کردند که شاه مانع قتل وی شد و با اتفاق او به سه فرسنگی مراغه رفتند. بعد از این ماجرا سیدمحمد در رجب ۱۲۴۲ هنگامی که از آذربایجان به قزوین رسیده بود در اثر شدت اندوه درگذشت. (آبادیان: ۱۲۵)

انواع جهاد از دیدگاه میرزای قمی

مبنای تقسیم‌بندی میرزای قمی در جهاد بر اساس مرگ یا شهادت می‌باشد. او از این دیدگاه جهاد را به چند دسته تقسیم می‌کند:

الف) جهادی که در آن جنگ و نبرد وجود ندارد و پای مرگ در میان نیست و «همه آنها معانی مجازیه است و اطلاق جنگ و جهاد بر آنها مجاز است» (قمی: ۳۷۵/۱) مانند مبارزه با نفس و خوب همسرداری کردن. او می‌نویسد: «اما اطلاق لفظ جهاد و استعمال آن در مطالب شرعی اعم از این که به عنوان حقیقت باشد یا مجاز، پس آن بسیار است. بعضی از آن باب است که پای موت در میان نیست اصلاً، مثل احیای سنت نبویه که مهجور شده باشد و مثل مجادله با نفس و حسن تعبّل و خوش رفتاری زن با شوهر» (همان: ۳۷۴)

ب) جهادی که پای مرگ در میان است و خود بر دو نوع است.

اول) مرگی که بر اثر جنگ و جدال نباشد «مثل این که فرموده‌اند که هر کس در غربت بمیرد شهید مرده است یا کسی که غرق شود یا خانه بر سر او خراب شود یا به آزار شکم بمیرد، یا زنی که در نفاس بمیرد» (همان)

دوم) مرگی که بر اثر جنگ و جدال باشد و خود بر سه قسم است.

جهاد ابتدایی: «جهادی است که پیغمبر و یا امام (ع) مردم را امر کنند که با کفار جنگ کنند و در زمان حضور و به اذن او یا اذن نایب خاص او که تعیین کرده باشد برای جهاد، خواه محض از برای دعوت به اسلام باشد یا از برای دفع کفار... خواه این جهاد با مشرکین باشد یا با اهل کتاب یعنی یهود و نصاری و مجوس» (همان)

جهاد با بُغاه و اهل بغی: «مراد از اهل بغی جماعتی هستند از مسلمین که بر امام زمان خروج کنند مثل جنگ‌هایی که معاویه و طلحه و زبیر و اهل نهروان با امیرالمؤمنین (ع) کردند. اذن امام در این شرط است» (همان: ۳۷۵)

جهاد دفاعی: گرچه میرزای قمی نامی از جهاد دفاعی نمی‌برد ولی دفاع در برابر دشمن در

عصر غیبت هنگام هجوم همان جهاد دفاعی است. او می‌نویسد:

«نوع دوم جهاد آن است که در زمان غیبت امام، کفار هجوم کنند بر اهل اسلام و مقصود آنها یا تلف کردن اسلام باشد که می‌خواهند دین اسلام از میان برخیزد، یا این که بر سر جمعی از مسلمانان می‌روند به قصد قتل و نهب و غارت... و در این جهاد، حضور و اذن امام شرط نیست» (همان)

او دفاع از مال، جان و عرض را نوعی جهاد می‌داند و معتقد است «در دفاع چه هنگام حمله کفار به یک کشور و چه حمله دزد به خانه یا کاروانی، اذن امام و مجتهد جامع‌الشرایط شرط نمی‌باشد ولی باید احکام دفاع را یاد گرفت» (همان: ۳۷۶ و ۳۸۲)

دفاع و ضرورت آن از دیدگاه میرزایی قمی

میرزای قمی دفاع را از ضروریات بشری می‌داند. عصر او مصادف با حمله روسیه به ایران بود. او دفاع از کشور در برابر روس‌ها را واجب و لازم می‌شمرد و در پاسخ به سؤالی که دفع طایفه منحوس روسیه شرعاً واجب و لازم است یا نه؟ می‌فرماید:

«هرگاه منظور ایشان تغییر شرایع و احکام اسلام یا اذیت به نفوس و اعراض مسلمانان و نهب و غارت اموال ایشان است، بلی واجب است لیکن الاقرب فالاقرب. و در هر طبقه از قرب هرگاه جمعیتی که هست به بعض آنها کفایت در دفاع حاصل شود، بر هر یک از طوایف آنها واجب کفایی است، هرگاه جماعتی که نزدیک به آنها هستند، کفایت نمی‌کنند، بر آنهایی که نزدیکترند به آنها واجب است امداد به عنوان وجوب کفایی، و اگر کفایت حاصل نشود آلا به اجتماع جمیع بر همه واجب می‌شود که امداد کنند و متعین می‌شود.» (همان: ۳۷۴)

میرزای قمی دفاع را به دو دسته دفاع عمومی و دفاع خصوصی تقسیم می‌نماید. دفاع عمومی زمانی است که کفار [دشمن] به کشور اسلامی به قصد از میان بردن دین اسلام یا تغییر احکام آن و قتل و نهب و غارت حمله می‌کنند و دفاع در صورت نیاز بر همه اعم از زن و مرد واجب است و «وجوب مدافعه بر عبد و مرأه (بنده و زن) هرگاه به آنها به هم رسد (همان: ۳۸۱) دفاع خصوصی، دفاع از جان و عرض و مال در مقابل دزد و قطاع‌الطریق و غیره است که بر همه واجب است از مال و ناموس و جانش دفاع کند.



□ یکی از وظایف فقها در عصر غیبت به عهده گرفتن امر جهاد در بعد دفاعی آن است

□ میرزای قمی که در زمینه فقه، اصول، اخلاق و فلسفه آثار ارزشمندی به یادگار گذاشته در جنگ ایران و روس مردم را به دفاع از کشور تشویق می‌نمود و کشته‌های جنگ را مجاهد فی سبیل‌الله به شمار می‌آورد و شهید قلمداد می‌کرد

قمی دفاع را بر حج واجب نیز مقدم داشته و می‌فرماید: «اگر در صورت خوف هجوم و غلبه مشرکین بر بلاد مسلمین و لزوم مدافعه و مجاهده با آنها، رفتن به حج و یا زیارت عتبات عالیات، در اینجا در صورت تعیین وجوب دفاع بر مستطیع حج، دفاع را باید مقلّم داشت بر حج» (همان: ۳۹۴)

امام خمینی همانند میرزای قمی می‌فرماید در مواقعی که اسلام یا بلاد مسلمین در معرض خطر هجوم دشمنان اسلام قرار گیرد و دفاع از آن متوقف بر تأخیر زیارت بیت‌الله الحرام باشد جهاد بر زیارت بیت‌الله الحرام مقدم است. (استفتائات: ۵۱۶/۱)

چند مسأله در دیدگاه امام مورد توجه است؛ اول آن که او در مبحث فقه سیاسی ورود به سیاست را برای همه به ویژه برای علما یک وظیفه می‌داند این نظریه با اصل عدم انفکاک دین از سیاست مرتبط می‌باشد (ر.ک صحیفه امام و وصیت‌نامه امام) دوم اینکه، جان مایه تفکر امام دیانت است و هدف اساسی او پیاده کردن احکام الله در جوامع انسانی است، سوم آنکه سیاست عملی امام در کلیه صحنه‌های سیاسی - اجتماعی بر اصل انجام تکلیف استوار بود و بارها فرمود که ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه‌ایم. (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۴)

امام خمینی دفاع را یک مسأله عقلی و طبیعی دانسته همانند میرزای قمی دفاع را واجب

می‌داند و درباره ضرورت دفاع همگانی در برابر دشمن می‌فرماید: "اگر یقوت خدای نخواست، یک هجومی به مملکت اسلامی بشود، باید همه مردم، یعنی مرد و زن مسئله دفاع دیگر اینطور نیست که تکلیف مال مرد باشد، تکلیف مال یک دسته‌ای باشد، همه باید بروند و دفاع بکنند از مملکت خودشان" (صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۲۵) ایشان اعتقاد دارند که دفع دشمن متجاوز بر تمام مسلمین واجب کفایی است. (استفتائات: ۴۹۲/۱) و حضور امام و اذن او یا اذن نایب خاصش یا نایب عام آن حضرت شرط نیست بلکه بر هر مکلفی با هر وسیله‌ای و بدون قید و شرط واجب است. (تحریر الوسیله: ۵۵۱/۱) و در جای دیگر می‌نویسد دفاع از اسلام و جمهوری اسلامی به هر نحو ممکن بر تمام مسلمین واجب است و مشروط به اجازه نیست. (استفتائات: ۴۹۲/۱)

کشته‌شدگان نبرد

یکی از مهمترین پرسشهایی که در هنگام دفاع و تجاوز دشمن پیش می‌آید درباره کشته‌شدگان نبرد است. میرزای قمی در پاسخ به وضعیت مقتولین جنگ ایران و روس می‌نویسد:

«مسلمین مقتولین در این دفاع که به قصد محافظت دین اسلام است در حکم شهیدند در ثواب و فضیلت و هرگاه در معرکه قتال کشته شوند، یعنی در میدان، جان بدهند اظهر این است که غسل و کفن کردن ساقط است و به همان جامه‌های خود نماز بر آنها می‌کنند و دفن می‌کنند.» (همان: ۳۴۸)

میرزای قمی با ذکر احادیثی از پیامبر اکرم (ص) و امام صادق (ع) مانند حدیث «فوق کل ذی برّ حتی یقتل فی سبیل الله فلیس فوقه برّ» (حر عاملی: ۱۰/۶) بالاترین مرگ را شهادت در راه خدا می‌داند و فرقی بین حضور امام و عدم آن نیست و کشته‌شدگان در راه خدا افضل‌تر و جایگاه رفیع‌تری نسبت به شهدای زمان خود معصومین دارند. او می‌نویسد: «قتال در زمان غیبت افضل باشد، چون حضور امام و ظهور معجز و تأثیر نفس شریف امام در مبادر به امتثال و حضور یقین به حقیقت مدخلیت تمام دارد در امتثال و فرمانبرداری که در زمان غیبت نیست بلکه اجرای این عمل در زمان غیبت بیشتر خواهد بود... پس کسی که جان خود را در زمان غیبت امام (ع) در راه خدا بدهد،

افضل خواهد بود از آن که مثل امیرالمؤمنین اسدالله الغالب(ع) با ذوالفقار دو سر و زبان معجز بیان و عسکر بی حد و پایان در بالای سر او باشد...» (قمی: ۳۸۴/۱)

امام نیز غسل و کفن را از شهید در معرکه جنگ ساقط می‌داند و اگر در غیر جبهه به شهادت برسد غسل و کفن دارد. (استفتانات ج ۱، ص ۷۹) میرزای قمی نیز معتقد است اگر در معرکه فردی مجروح شود و بعد بمیرد غسل و کفن از او ساقط نمی‌شود و اگر غسل و کفن میسر نباشد و تأخیر در غسل و کفن موجب بی‌احترامی به میت یا منشأ تزییع میت شود او را باید تیمم داد. (همان: ۳۹۱)

فرار از میدان نبرد

فرار از میدان جنگ که موجب تضعیف روحیه جنگ‌جویان و زمینه تسلط دشمن می‌گردد از گناهان بزرگ محسوب شده و توبه آن فقط بازگشت به میدان کارزار و تصمیم به ادامه پیکار با دشمن است (الظالمی: ۵۹)

برخی از فقها حکم به تحریم فرار از میدان نبرد و از جایی به جای دیگر رفتن را داده‌اند و به حدیثی از امام رضا(ع) که فرمود زحف حرام است، استناد می‌جویند (شهابی: ۲۰۶/۱). زحف در لغت به جنگ رو در رو گویند در آیه ۴ سوره صف قرآن کریم بدان اشاره شده و فرار از آن را حرام شمرده است (الظالمی: ۵۸ - ۵۹) از میرزای قمی سؤال می‌شود: آیا فرار از مقاتله و مجادله حکم فرار از زحف دارد؟ ایشان می‌فرماید: حکم فرار از زحف اینجا ثابت نیست و آن در جهاد حقیقی است که به اذن امام باشد. (همان: ۳۹۴)

قمی در جای دیگر نرفتن به جنگ را از اعظم منکرات دانسته امر به معروف کردن بر چنین افرادی جایز بلکه واجب است. (همان: ۳۸۴)

امام خمینی فرار از جبهه را در هیچ حالی جایز نمی‌داند. (استفتانات، ج ۱، ص ۵۱۶)

همکاری با دشمن

همکاری با دشمن حربی چه از نظر عقلی و چه از نظر فقهی مذموم دانسته شده و اگر

مسلمانی در جبهه کفر در برابر برادران دینی خود قرار گیرند همانند دشمن با او برخورد می‌شود و تنها یک تفاوت می‌باشد این که «اسر مسلم و نهب اموال به هیچ وجه جایز نیست، اما قتل آنها، پس آن چه موقوف علیه دفاع از مسلمین و اسلام است جایز است.» (قمی: ۳۹۵/۱) ولی در محارب بودن آنها میرزا دو نظر دارد او ابتدا در جواز حدود در زمان غیبت توقف و تأمل دارد ولی افرادی را که با اختیار در صف کفار به قتال مسلمین مشغولند محارب دانسته است (همان) که بر کشتندگان آنها دیه و کفاره لازم نیست (همان: ۳۹۸)

امام خمینی افرادی را که با دشمن همکاری می‌کنند در حکم مهاجم می‌داند که قتل آنها مانند قتل دیگر مهاجمین است (استفتائات، ج ۳، ص ۴۶) و حتی در پاسخ به سؤالی که آیا به قتل رساندن سربازانی که مسلماند اما بالاجبار یا به صورتهای دیگر به کشورهای اسلامی و مسلمین حمله کرده‌اند جایز است؟ می‌فرماید: اگر حمله نمودند دفاع لازم است. (استفتائات، ج ۳، ص ۴۶)

سپر قرار دادن مردم در جنگ

یکی از تاکتیک‌های دشمن در هنگام نبرد جهت تسلیم کردن نیروهای مقاومت استفاده از سپر مردمی است تا در قبل آنها سنگرهای دفاعی را فتح کنند و به اهداف خود برسند. میرزای قمی در مورد سپر قرار دادن مردم توسط دشمن در جنگ نظر خاصی ندارد. احتمالاً او نظر علمای متقدم را دارد که می‌گویند اگر یاغیان از کودکان و زنان و مانند آنها به عنوان ترس یا سپر استفاده کند و تنها راه دستیابی به آنان کشتن ترس یا از بین بردن سپر باشد باید به قتل رساند، زیرا جنگ و قتال با یاغیان بر حرمت قتل زنان و کودکان ترجیح دارد. شهید اول در لمعه نیز در این باره می‌نویسد: در موردی که دشمن اسرای مسلمین و فرزندان آنان را سپر قرار دهد و دست‌یابی به دشمن جزء با قتل مسلمین ممکن نباشد قصاص و دیه‌ای در این مورد نیست، چون شرع اجازه قتل آنان را داده است. (لمعه باب جهاد)

امام در پاسخ به این سؤال که آیا نیروهای دشمن عده‌ای از مسلمانان از قبیل زنان، کودکان و پیرمردان را سپر قرار می‌دهند برای نبرد با دشمن آیا کشتن مسلمانان مذکور جایز است یا خیر؟



□ امام خمینی: اگر خدای نخواستہ زمانی یک هجوم به مملکت اسلامی بشود باید همه مردم زن و مرد حرکت کنند. مسئله دفاع این طور نیست که تکلیف منحصر به مرد باشد یا اختصاص به یک دسته‌ای باشد، همه باید بروند و از مملکت خود دفاع بکنند

می‌فرماید: "اگر دفاع از اسلام و مسلمین و سرکوب کردن مهاجمین متوقف بر آن باشد جایز است." (استفتانات، ج ۳، ص ۴۵) در جای دیگر می‌فرماید: «فرض کنید که عراق فاسد یک دسته‌ای از مسلمین بی‌گناه را سپر قرار داد و پشت آنها ایستاده که بریزد ایران را بگیرد. بر ما واجب است که مسلمان و غیرمسلمانش را بکشیم. مسلمانها شهید هستند و به بهشت می‌روند و کافرهایش کافرند و به جهنم.» (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۱۹-۱۱۸)

آموزش نظامی و تهیه ادوات جنگی

میرزای قمی در تفسیر آیه «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوكم» (انفال: ۶۰) آموزش نظامی را جایز و حتی واجب می‌داند و می‌نویسد: «اصل معرفت اسب تاختن و تیر انداختن جایز و مشروع و همچنین گرو بستن در آنها حلال است و در صورت وجوب امر به آن از باب امر به معروف با شرایط آن واجب است.» (قمی: ۱/۳۹۳)

امام خمینی یادگیری فنون نظامی را بر همه واجب کفایی می‌داند و می‌فرماید: «اگر دفاع بر همه واجب شد مقدمات دفاع هم باید عمل بشود، از آن جمله قضیه این که ترتیب نظامی بودن، یاد گرفتن انواع نظامی بودن را برای آنها می‌که ممکن است.» (صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۷)

تهیه ادوات نظامی در مقابل دشمن از مقدمات جنگ است. در قرآن کریم در چندین جا به بکارگیری سلاح تأکید دارد «وانزلنا الحديد فيه بأس شديد و منافع للناس» (حدید: ۲۵) یا یحیی خذوا

الکتاب بالقوه (مریم: ۱۲) «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخيل ترهبون به عدوا لله و عدوكم (انفال: ۶۰) و یکی از مهمترین وظیفه حاکم اسلامی تهیه ادوات جنگی است و «تهیه اسباب و اسلحه جنگ از مصالح مسلمین می باشد.» (قمی: ۳۸۳/۱)

غنائم

یکی از مسائل جنگ مسأله غنائم و اسراست. میرزای قمی در مورد غنائم می فرماید: «حکم آن این است که مال کسی است که می گیرد از آنها» (همان: ۳۸۸) غنائم در صورتی مال امام زمان است که جنگ به اذن امام و برای دعوت کفار به اسلام باشد ولی جنگ و قتال که بر سبیل دعوت امام نباشد بلکه محض از برای دفاع باشد حکم آن است که مال کسی است که می گیرد از آنها (همان: ۳۸۸) از نظر قمی خمس بر غنائم تعلق نمی گیرد. (همان)

امام خمینی در پاسخ به سؤال تصرف و تملک در کدام یک از غنائم و با چه شرایطی برای رزمندگان جایز است می فرماید: "در غیر ادوات جنگی برداشتن اشیای مختصر از قبیل لباس و ساعت و رادیو و امثال آن برای رزمندگان اشکال ندارد" (استفتانات، ج ۳، ص ۴۸) و "خمس واجب نیست" (استفتانات، ج ۱، ص ۳۴۶) ولی نباید اموال شخصی اسرا را از آنها گرفت (استفتانات، ج ۳، ص ۵۲) و نیز برای مقاتلین برداشتن چیزهای مختصر از قبیل انگشتر، لباس و کفش دشمن و تصرف در آن اشکال ندارد. (استفتانات: ۵۰۸/۱)

هزینه های جنگ

میرزا در پاسخ به سؤال، مالیات و عوارضاتی که گرفته می شود و صرف دفاع کفار می شود چه صورتی دارد؟ جایز است یا نه؟

می فرماید: «خراج اراضی خراجیه در مذهب ما موضوع است از برای مصالح عامه مسلمین و از اعظم آنها مجاهدین است و مدافعین از اسلام نوعی هستند از مجاهدین و به مصرف ایشان رسانیدن جایز است و آن موکول است به نظر امام عادل و پس از غیبت امام عادل، حاکم شرع

یعنی مجتهد عادل، نایب امام است در تعیین مقدار و رسانیدن آن به مصرف و حقیر به قدر حصه خود راضی ام که به قدرت حاجت مجاهدین و مدافعین به ایشان داده شود از وجوه مالیات، یعنی خراج اراضی خراجیه.» (همان: ۸ - ۳۴۷)

مصرف زکات

هزینه جنگ موجب شد که مردم در مورد مصرف زکات مالیه و مال امام (ع) از میرزای قمی سؤال کنند که با اجازه مجتهد جامع الشرایط می توان برای دفع دشمن از زکات و مال امام استفاده کرد. ایشان دادن زکات را در این راه نیاز به اذن مجتهد عادل نمی داند (همان: ۳۸۳) اما در مورد سهم امام می فرماید: «... اما حصه امام (ع) از خمس، پس اظهار در نظر حقیر، این است که باید به فقرای بنی هاشم داد از باب تتمه مؤنه و به این مصرف نمی توان رساند و آن هم به اذن مجتهد عادل با امکان.» (همان)

میرزای قمی تأکید دارد مؤمنین اموالی را که در امور مستحبی مصرف می کنند بهتر است در جنگ هزینه گردد که ثواب آن پیش از سایر مستحبات است و نیز اموال و ثروتی که در اختیار سلطان می باشد باید از آن در اختیار سپاه اسلام گذاشت. (همان: ۶ - ۳۸۵)

او دادن زکات را برای هزینه جنگ برای دفع دشمن را جایز می داند و اذن مجتهد عادل را ضروری نمی داند (همان: ۸۶) ولی معتقد است خمس را نمی توان در این راه مصرف کرد (همان: ۸۷) و حتی مصرف منافع اراضی خراجیه و درآمد امور عام المنفعه مثل رباط، پل، مسجد و غیره و ولایت و مباشرت و تصرف در آن به تقدیر و تدبیر امام عادل موکول است، که بگیرد و به مصارف آنها برساند. (همان: ۸۸)

امام خمینی پرداخت زکات را برای مخارج جنگ و بازسازی مناطق جنگی بلامانع می داند ولی سهمین شریفین (سهم امام و سادات) را منوط به اجازه مرجع تقلید می داند. (استفتائات، ج ۳، ص ۱۴)

مربطه

مربطه در لغت به معنای سرحدداری، ملازمت، مواظبت کردن بر امری و ملازمت نمودن جای درآمدن دشمن می‌باشد (دهخدا) و در اصطلاح پاسداری از مرز را گویند تا در صورت هجوم دشمن از آن دفاع نموده و مردم را مطلع نمایند. میرزای قم در پاسخ به سؤال حکم مربوطه در مرزها و حداقل آن در ایام غیبت می‌گوید: مربوطه در زمان غیبت مستحبی است. چون متضمن جهاد نیست که اذن امام در آن شرط باشد، بلکه مراد از آن این است که در ثغور یعنی سرحدی که کفار حرکتی کنند به سمتی از بلاد اسلام، مسلمانان را باخبر کنند که مهیای قتال آنها شوند (همان: ۳۹۱) او ثواب مربوطه در یک شب را بهتر از روزه و نماز یک ماه و کشته‌شدگان این راه را شهید می‌داند و می‌افزاید «افضل رباط در جایی است که خوف در آن بیشتر باشد و اهتمام در امر عدو آنجا بیشتر باشد و اقل رباط سه روز است و اکثر آن چهار روز است و همین که از چهل روز گذشت، پس آن جهاد محسوب است و ثواب جهاد دارد.» (همان: ۳۹۲)

بغات و توطئه‌گران داخلی

باغی و بغات در فارسی معنی براندازی می‌دهد و یاغی کسی است که بر امام معصوم خروج کند که در این صورت در حکم کافر است، چون با این عمل، اعلان حرب با خدا و رسول خدا نموده است. صاحب لمعه در این باره می‌نویسد: «هرگاه امام، مردم را به پیکار با چنین کسانی فراخواند، جنگ با آنان واجب است، تا این که تسلیم شوند و به اطاعت امام گردن نهند و یا کشته شوند؛ جنگ با چنین افرادی همچون جنگ با کفار است. (لمعه باب جهاد، الظالمی: ۳۹)

این حکم در زمان امام معصوم و غیر امام معصوم و فقیه عادل نیز معتبر است. در صورتی که شیخ طوسی در النهایه می‌نویسد: کلّ من خرج علی امام عادل و نکث بیعتی و خالفه فی احکامه، فهو باغ، و جاز للامام قتاله و مجاهدته، و یجب علی من یستنهضه الامام فی قتالهم النهوض معه (النهایه: ۲۹۶، قاسمی و همکاران: ۲۱۰/۱) و میرزای قمی نیز تأکید دارد تنها به امر امام معصوم می‌توان با بغات جنگید. «مراد از اهل بغی جماعتی هستند از مسلمین که بر امام زمان خروج کنند مثل جنگهایی که



□ امام خمینی که در دوران مرجعیت و رهبری شاهد هجوم نابرابر دشمن به کشور اسلامی بود فتاوی جهادی خود را در رابطه با مسائل مختلف جنگ ارائه کرد که بسیاری از مشکلات جنگ با این فتاوا حل شد

□ فتاوی جهادی حضرت امام در بسیاری جهات با نظرات جهادی میرزای قمی شباهت دارد. هر دو حفظ کیان اسلام را اصلی ثابت و مهم دانسته‌اند که بر برخی از فروع دین ارجحیت دارد

معاویه و طلحه و زبیر و اهل نهروان با امیرالمؤمنین (ع) کردند. اذن امام در این شرط است.» (همان: ۳۷۵) از نظر میرزای قمی مراد از اولی الامر ائمه طاهرین می‌باشد. او در نامه‌ای به فتحعلی شاه گوشزد می‌نماید منظور قرآن کریم از اولی الامر در آیه أطيعوا الله ورسوله و اولی الامر منکم (نساء: ۵۹) ائمه طاهرین می‌باشند و اخبار و احادیثی که در تفسیر آیه وارد شده است به این مطلب، از حد بیرون است (حائری: ۳۲۸) علامه طباطبایی در تفسیر آیه أطيعوا الله ورسوله و اولی الامر منکم (نساء: ۵۹) می‌فرماید: «اطاعت از اولو الامر واجب است، اگرچه آنان معصوم نباشند و فسق و خطا بر آنان جایز باشد. اما اگر از احکام الهی سرپیچی کردند اطاعت از آنان لازم نیست. (المیزان تفسیر آیه مذکور) پس از نظر او ولی امر همان دولت اسلامی است گرچه معصوم نباشد ولی اگر فسق شد و عدالت نداشت اطاعت از آنان نخواهد بود. بیکار با بغاوت و سرکشان در عصر غیبت می‌تواند دفاع از حریم اسلام و دولت اسلامی باشد و دفاع از کیان اسلام بر همه واجب است.

نتیجه‌گیری

یکی از مهمترین حوادث دوره قاجار که تأثیر عمیقی در روحیه مردم و دولتمردان قاجار گذاشت جنگ‌های ایران و روس است که در پی این حادثه سرزمین‌های زرخیزی از ایران جدا شد و شرایطی ظالمانه بر ایران تحمیل شد که موجب شد سیطره بیگانگان بر این هموار گردد و ایران را به عنوان کشوری نیمه مستعمره درآورد. فتحعلی شاه و ولیعهدش عباس میرزا برای مقابله با روسها به فکر اعلان جهاد علماء افتادند و علمای عصر از جمله میرزای قمی فتوای جهاد علیه روسها را صادر کردند که این امر در بسیج مردم و پیروزی‌های اولیه نقش چشمگیری داشت.

میرزای قمی معروف به «محقق قمی» و «فاضل قمی» و «صاحب القوانین» با تألیف رسائل جهادی که بعدها این رسائل را در کتاب جامع‌الشتات گردآوری کرد در پاسخ به سؤالات مردم و شرکت آنان در نبرد با روس نقش اساسی داشت. او دفاع از مال، جان و عرض را نوعی جهاد می‌داند و معتقد بود در دفاع چه هنگام حمله کفار به یک کشور و چه حمله دزد به خانه یا کاروانی، اذن امام و مجتهد جامع‌الشرایط شرط نمی‌باشد ولی باید احکام دفاع را یاد گرفت و حتی دفاع را بر حج واجب نیز مقدم داشته است و مقتولین جنگ ایران و روس را که به قصد محافظت دین اسلام می‌جنگند در حکم شهید دانسته در ثواب و فضیلت از شهدای عصر حضرت علی (ع) بالاتر می‌داند. او نرفتن به جنگ را از اعظم منکرات دانسته و همکاری با دشمن را جایز نمی‌داند و طبق آیه «واعذوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم (انفال: ۶۰) آموزش نظامی را جایز و حتی واجب می‌داند او برای هزینه جنگ، دادن زکات را لازم و نیاز به اجازه مجتهد عادل نمی‌داند ولی مصرف خمس را فقط برای فقرای بنی‌هاشم لازم می‌داند. او رابطه و پاسداری از مرزها در زمان غیبت را امری باارزش دانسته ولی چون این کار متضمن جهاد نیست اذن امام را در آن شرط نمی‌داند.

میرزای قمی در مورد غنائم معتقد است غنائم از آن غنیمت‌گیرنده است و نیاز به دادن خمس آن نمی‌باشد و در جنگ با بغاۀ تأکید دارد تنها به امر امام معصوم می‌توان با بغاۀ جنگید. امام خمینی که در عهد مرجعیت و رهبری شاهد هجوم نابرابر دشمن به کشور اسلامی بود



فتاوی جهادی خود را در رابطه با مسائل مختلف جنگ ارائه نمود که بسیاری از معضلات جنگ را با این فتاوا حل کرد، این فتاوا در بسیاری جهات با نظرات فقهی میرزای قمی شباهت دارد. هر دو حفظ کیان اسلام را اصلی ثابت و مهم دانسته‌اند که بر برخی از فروع دین ارجحیت دارد.

منابع:

۱. آبادیان؛ حسین: روایت ایرانی جنگ‌های ایران و روس؛ تهران؛ مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی؛ ۱۳۸۰
۲. آوری، پیتز: تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، عطائی، ۱۳۶۹
۳. الامین، السید محسن: اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، بی تا، المجلد الثاني
۴. الظالمی، محمد صالح: فقه سیاسی در اسلام، ترجمه رضا رجب‌زاده، تهران، پیام آزادی، ۱۳۵۹
۵. بینا، علی اکبر: تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲
۶. تنکابنی، میرزا محمد: قصص العلماء، تهران، علمیه، بی تا
۷. حائری، عبدالهادی: نخستین رویاروییهای اندیشه‌گران ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷
۸. حر عاملی: وسایل الشیعه، ج ۶
۹. خمینی، روح‌الله: در جستجوی راه از کلام امام (جنگ و جهاد)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲
۱۰. خمینی، روح‌الله: کشف‌الاسرار، بی تا، بی جا
۱۱. خمینی، روح‌الله: صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۸
۱۲. خمینی، روح‌الله: تحریرالوسیله، ترجمه علی اسلامی، قم، اسلامی، ۱۳۶۹ - ۱۳۶۱، ج ۴-۱
۱۳. خمینی، روح‌الله: توضیح‌المسائل (مسائل مربوط به جنگ)، تهران، فرهنگ انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱
۱۴. خمینی، روح‌الله: استفتانات، قم، اسلامی، ۱۳۶۶
۱۵. خمینی، روح‌الله: پندها و حکمت‌ها، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹
۱۶. دهخدا، علی اکبر: لغتنامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲
۱۷. راغب، مفردات، حرف ج
۱۸. رجیبی، محمد حسین. رویا پورامید، فاطمه: مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه، تهران نی، ۱۳۸۴
۱۹. سپهر، محمدتقی: ناسخ‌التواریخ قاجار، تهران، اسلامی، ۱۳۵۲
۲۰. شهابی، محمود: ادوار فقه، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶
۲۱. قائم مقام فراهانی، میرزا عیسی: احکام جهاد و اسباب‌الرشاد، تصحیح غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران، بقعه، ۱۳۸۰

۲۲. قاسمی محمدعلی و همکاران: فقیهان امامی و عرصه‌های ولایت، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱
۲۳. قمی، میرزا ابوالقاسم: جامع الشتات، تهران، کیهان، ۱۳۷۱
۲۴. قوزانلو، جمیل: جنگ ده ساله یا جنگ اول ایران و روس، چاپخانه مرکزی، تهران، بی تا
۲۵. کاشف الغطاء شیخ جعفر: کشف الغطاء عن خفیات مبهمات شریعه الغراء، بی جا، ۱۳۱۷
۲۶. فیض، عباس: گنجینه آثار قم، قم، مهر، ۱۳۴۹، ج ۱
۲۷. مفتون دنبلی، عبدالرزاق مآثر السلطانیه، به اهتمام غلامحسین صدری افشار، تهران، ابن سینا، ۱۳۵۱
۲۸. مدرس، میرزا محمدعلی: ریحانة الادب، تهران، خیام، ۱۳۷۴
۲۹. ملکم، سرجان: تاریخ ایران، ترجمه میرزا حیرت، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲
۳۰. مهاجری، مسیح: «دفاع از ملت در اندیشه امام خمینی» سیری در اندیشه‌های دفاعی امام خمینی، تهران، دفاع، ۱۳۷۸
۳۱. مهدوی، مصلح‌الدین: بیان‌المفاخر، اصفهان، کتاب خانه مسجد سید، ۱۳۶۷
۳۲. منصوری لاریجانی، اسماعیل: سیری در اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی، تهران، بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس، ۱۳۷۷
۳۳. نصر، تقی: ایران در برخورد با استعمارگران، تهران، مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۴
۳۴. نوائی، عبدالحسین: ایران و جهان از قاجار تا پایان عهد ناصری، تهران، هما، ۱۳۶۹
۳۵. هدایت، رضا قلی میرزا: روضه الصفای ناصری، تهران، خیام، ۱۳۳۹



پی‌نوشتها:

۱. جاپلق، بخش و ناحیه‌ای قدیمی در شمال شرقی استان لرستان و در نیمه شرقی شهرستان ازنا قرار دارد و در دوره قاجار یکی از سه بلوک بزرگ بروجرد بود (دانشنامه جهان اسلام، ج ۹)؛ و در ۷۰ کیلومتری بروجرد قرار دارد.
۲. شفت نام یکی از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان فومن است که در جنوب شرقی آن واقع شده و در ۹ کیلومتری آنجا قرار دارد.
۳. دیگر تألیفات قمی عبارتند از: حاشیه بر زبدة الاصول شیخ بهائی، مرسد العوام (فقه فارسی)، رساله استدلالی فارسی در اصول دین، حاشیه بر تهذیب الاصول علامه حلی، منابع الاحکام (فقه به زبان عربی)، معین الخواص (مختصر فقهی است)، منظومه‌ای در علم بدیع که دارای ۱۳۹ بیت است، رساله‌هایی در وقف، طلاق و مباحث منطقی، دیوان شعر به فارسی و عربی که نزدیک ۵۰۰۰ بیت شعر را داراست.